

---

مجموعه آثار مولیر

دیبر مجموعه: دکتر قطب الدین صادقی

---

## کنتس دسکار بانیااس

نسرین فخری

## صحنهٔ یک

ژولی، ویکنت.

عجب خانم، شما اینجا هستید؟  
بله، شما باید به این خاطر شرمندۀ باشید کیلثانت<sup>۱</sup>، برای یک  
عاشق چندان شایسته نیست که آخرین نفر سر قرار بیاید.

اگر آدم مزاحم در عالم وجود نمی داشت، من یک ساعت  
پیش اینجا بودم. مزاحم قدیمی نابی مرا در راه متوقف کرد و  
عمداً اخبار دربار را از من جو یا شد تا دلیلی باشد بر اینکه  
عجیب ترین چیزهایی را که می شود گفت به من بگوید؛  
همان طور که می دانید، بلای شهرهای کوچک این است که  
این خبرگویان بزرگ همه جا در پی پخش داستان هایی اند که  
جمع آوری کرده اند. این یکی اول برایم دو برگ کاغذ خواند،  
تلی از اراجیف، گفت که از مطمئن ترین محفل بزرگان  
می آیند. بعد انگار که راز مگوست، تمام مطالب بی ارزش

ویکنت  
ژولی

ویکنت

قصورى را که بر سر آن با من دعوا می‌کنید توجیه می‌کند. اینکه وادار شوم نقش عاشق بانوی این خانه را ایفا بکنم مرا در وضعیتی قرار می‌دهد که می‌ترسم از اینکه اولین نفر اینجا حضور پیدا کنم. چون این تظاهر که مجبورم انجام دهم، تنها به خاطر خوشایند شماست، پس حق دارم اجبار آن را فقط در مقابل چشمانی که از دیدنش لذت می‌برم بپذیرم. دلایل زیادی دارم که بخواهم شما اول اینجا باشید، اینکه از گفتگوی دوفره با این کنتس مسخره که شما مرا گرفتار آن کردید بپرهیزم و در یک کلام تنها به خاطر شما به اینجا بیایم. خوب می‌دانیم که شما هرگز از ذکاوت کم نمی‌آورید تا به اشتباه‌هایی که می‌کنید با رنگ‌های زیبا جلوه ببخشید. با وجود این اگر نیم‌ساعتی زودتر می‌آمدید می‌توانستیم از تمام این لحظات استفاده کنیم چون هنگامی که رسیدم متوجه شدم کنتس رفته و شک ندارم که به شهر رفته تا از نمایشی لذت ببرد که شما به نام دعوت از او پیشنهاد دیدنش را به من دادید.

ژولی

اما بالاخره خانم کی می‌خواهید به این اجبار پایان دهید تا من بهای کمتری برای دیدارتان بپردازم؟ وقتی والدینمان موافقت کنند، که البته جرأت ندارم به آن امیدوار باشم. شما هم مثل من می‌دانید که درگیری‌های دو خانواده‌مان ما هرگز به ما اجازه دیدن یکدیگر در جایی دیگر را نمی‌دهد و اینکه برادرانم و همین‌طور پدر شما آن قدر منطقی نیستند که به پیوند ما رضایت دهند.

ویکت

ژولی

جریده هلند<sup>۱</sup> را که طرفدار آن است، به‌طور خسته‌کننده‌ای برایم خواند. او اصرار دارد که بگوید فرانسه در برابر قلم این نویسنده شکست خورده و تنها همین ذهن زیرک کافی است تا صفوف ما را درهم بشکند؛ و از اینجا چنان یک‌دفعه به میان امور وزارت‌خانه پرید و تمام معایش را بازگو کرد که تصور کردم هرگز از آن خارج نمی‌شود. طوری حرف می‌زند که انگار از پشت پرده شورای دولتی بهتر از اعضای آن باخبر است. تمام تصمیمات سیاسی دولت بر او آشکار است و قدمی نیست که دولت بردارد و او به نیاتش آگاه نباشد. او ما را از مقاصد پنهان تمام آن چیزهایی که انجام می‌شود باخبر می‌کند، دوران‌دیشی‌های همسایگانمان را بر ما نمایان می‌کند و به اراده خود تمام امور اروپا را زیر و رو می‌کند. نفوذش حتی تا آفریقا و آسیا گسترش یافته و از هر آنچه به شورای عالی، به کشیش ژان و به مغول بزرگ<sup>۲</sup> مربوط می‌شود، آگاه است.

ژولی

شما عذرتان را به بهترین حالتی که می‌توانید می‌آرایید تا آن را به گونه‌ای خوشایند سازید که راحت‌تر پذیرفته شود.

ویکت

ژولی زیبا، دلیل واقعی تأخیر من همین است و اگر می‌خواستم عذری مؤدبانه برایش بیاورم تنها می‌بایست به شما می‌گفتم قراری که می‌خواهید برای من بگذارید، این

۱. Gazette de Hollande، یکی از مهم‌ترین جریده‌های بین‌المللی اروپا در عصر روشنگری که مرجع اصلی اخبار سیاسی بود به زبان فرانسوی و از نیمه دوم سده هفدهم تا ۱۷۹۶، دو هفته یک بار در آمستردام چاپ می‌شد.

۲. کشیش ژان، امپراتور حبشه است و مغول بزرگ همان امپراتور گورکانیان، منتسب به تیمور، قوی‌ترین و ثروتمندترین امپراتور هند است - ناشر فرانسوی.